

پژوهش‌های حقوقی

شماره ۲

هزار و سیصد و هشتاد و یک - نیمسال دوم

مقالات

- تعهدات آگاهانه در قراردادهای واگذاری معادن
- مقدمه‌ای بر مطالعه اصول حاکم بر صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین‌الملل
- استقرار دیوان کیفری بین‌المللی: بیمها و امیدها
- محدودیت‌های حقوق مالکانه اشخاص در قوانین و مقررات شهرداریها
- تأملی بر بیع متقابل در قراردادهای نفتی ایران
- نقدی بر طرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسؤلیت دولتها
- حمایت از حق خلوت آدمیان در عصر اطلاعات

موضوع ویژه: ضرورت بازنگری در قوانین ناظر بر چک

- تاریخچه و ضرورت اصلاح قوانین ناظر بر چک
- میزگرد راجع به اصلاح قانون چک
- حفظ یا حذف جنبه کیفری صدور چک بلامحل
- مقررات چک در قانون تجارت مصر (مصوب ۱۹۹۹)

نقد و معرفی

- قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب
- انجمن حقوق خصوصی ایران
- مؤسسه بین‌المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی (UNIDROIT)





http://jlr.sdil.ac.ir/article_44877.html

حمایت از حق خلوت آدمیان در عصر اطلاعات

نوشته هِلن نِسن بام*

ترجمه و تلخیص از عباس ایمانی**

چکیده: حق خلوت آدمیان، و یا به تعبیری دیگر حرمت حریم خصوصی افراد، در زمره یکی از مصادیق حقوق اساسی بشر به شمار می‌رود که اسناد بین‌المللی و قوانین ملی در مورد آن سخن‌ها گفته‌اند. با وجود این توسعه تکنولوژی‌های نوین جمع‌آوری، ذخیره‌سازی، پردازش، و انتقال اطلاعات باعث شده که این حق به انگیزه‌های مختلف مورد تعرض قرار گیرد، تعرضی آن‌چنان سخت و بی‌محابا که اگر تمهیدی مؤثر جهت مبارزه با آن اندیشیده نشود، بقاء «حق خلوت آدمیان» مردّد می‌نماید.

کلید واژه‌ها: حق خلوت، کامپیوتر، اینترنت، تکنولوژی اطلاعات، حوزه عمومی، حریم خصوصی.

مقدمه

ثبت، تحلیل و انتقال اطلاعات درباره کارها و کردارهای عادی و تجاری آدمیان، بشر امروز را در معرض پدیده‌ای ناراحت‌کننده قرار داده و او را به حزم و هوشیاری فرا می‌خواند. اطلاعات مورد اشاره، موضوع تملکات و مصارف معمولی مردم است که جمع‌آوری و انتقال آن به دیگران (اشخاص دوم، سوم، چهارم و...)، ممکن است به

* Helen Nissenbaum, "Protecting Privacy in an Information Age: The Problem of Privacy in Public", *Law and Philosophy*, Vol. 17, Nos. 5-6, November 1998, pp. 559-596.

** کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

وسیله هر کسی صورت پذیرد. در خلال نظریه‌های فلسفی، بیانات مبسوطی دربارهٔ حق خلوت^۱ آدمیان و ارتباط آن با اطلاعات راجع به اشخاص، شرح و تعبیر گردیده و به تنگناهایی که حدود مشروعیت جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات را به چالش می‌طلبد، به روشنی اشاره شده است؛ ضمن آن که، تلاش نظری مذکور عمدتاً حول بررسی اطلاعات حساس و خصوصی اشخاص متمرکز گردیده و در طریق حمایت از حق خلوت آدمیان مصروف گشته است.

در این مقاله، اهمیت حمایت از اطلاعات حساس و خصوصی مردم، مورد قبول و پسند قرار گرفته، و بر این نکته تأکید شده که نظریه‌های مربوط به حق خلوت آدمیان باید ارتباط نظام‌مند بین امور شخصی مردم را با اطلاعات غیر خصوصی و غیرحساس مربوط به حوزه عمومی، حفظ کنند. اهمیت این اطلاعات برای حق خلوت آدمیان در دهه‌های اخیر، به دلیل به کار بستن گونهٔ جدیدی از نظارت^۲ که با پیشرفت سرسام‌آور تکنولوژی اطلاعات میسر گردیده، پدیدار گشته است؛ پیدایش نظارت همان چیزی است که در این نوشته «مشکل حق خلوت آدمیان در عرصه عمومی»^۳ نامیده شده است. چنانکه در سال ۱۹۸۵ لاری هانتر، دانشمند کامپیوتر گفته است: «تحول عظیم ما، در جمع‌آوری اطلاعات یا به دنبال دوربین‌های تلویزیون گشتن در اتاق خواب شما، نخواهد بود، بلکه در تحلیل اطلاعاتی که قبلاً با طیب خاطر صاحبان آنها جمع‌آوری و اشاعه داده شده، خواهد بود»^۴.

در طول این مقاله، به این موضوع خواهیم پرداخت که منظور از حق خلوت آدمیان در عرصه عمومی (آنچه که در گذشته به طور مشخص در بسیاری از قابل توجه‌ترین و مستندترین کارهای فلسفی و حقوقی درباره حق خلوت آدمیان مورد

¹ Privacy Right.

² Surveillance.

³ The problem of privacy in public.

⁴ Larry Hunter, "Public Image", *Whole Earth Review* (January, 1985). Reprinted in *Deborah Johnson and Helen Nissenbaum, Computers, Ethics, and Social Values* (Englewood Cliffs: Prentice Hall, 1995), p. 294.

بی‌اعتنایی قرار گرفته) همان منافع واقعی^۵ رعایت این حق است که درخور مطالعه و بررسی، و نیز شایسته حمایت می‌باشد. همچنین بعد از بررسی فعالیت‌ها و اوضاع و احوالی که موجب مشکل حق خلوت آدمیان در حوزه عمومی شده است، توضیح می‌دهم که چرا دلایل نظری مؤثر و غالب درباره حق مذکور، در برقراری رابطه عملی با آن ناموفق ظاهر شده است. سپس، در آنچه ممکن است به عنوان مطلب محوری مقاله تعبیر شود موضوعات اصلی اعمال نظارت جدید شناسانده شده است. در قسمت‌های پایانی مقاله، این که چه طور می‌توان حق خلوت آدمیان را در عرصه عمومی رعایت نمود و آن را فرآگرفت، به تفصیل بررسی شده است.

۱- مشکل رعایت حق خلوت آدمیان در عرصه عمومی

آنچه مرا در بررسی این معضل ترغیب نمود، اوضاع و احوال پدیدار گشته جهان کنونی است که علی‌الظاهر برای بیشتر مردم دردسر آفرین و ابهام‌انگیز است و کراراً در اجتماع و رسانه‌های گروهی^۶ گزارش می‌شود، و آن، این است که مردم، به خصوص در عرصه عمومی، به طور یکنواخت و متداوم آماج نظارت‌هایی قرار می‌گیرند که تقریباً همه تغییرات و رویدادهای زندگیشان را در برگرفته است. اطلاعات راجع به دادوستد مغازه‌داران، شرکت‌های فعال در سفارش پستی کالا، ارائه‌کنندگان مراقبت‌های پزشکی، متصدیان مهد کودک و حتی آرایشگاه‌های زنانه، جمع‌آوری و ذخیره و تجزیه و تحلیل و طبقه‌بندی شده است. وجود و نحوه حضور آدمیان بر پهنه گیتی، ویژگی‌های برجسته چهره آنان و همه رویدادهای مهم و نقاط عطف حیاتی در زندگی آنان، بی‌چون و چرا ثبت و ضبط شده است. به بیانی دیگر،

⁵ genuine privacy interest.

⁶ For example, see "Goals Clash in Shielding Privacy", *The New York Times*, October 28, 1997; "In Prison, Free to Get Information", *The New York Times*, October 20, 1997; "On Line High-Tech Sleuths Find Private Facts", *The New York Times*, September 15, 1997; *No More Privacy: All About You*, Films for the Humanities and Sciences, Inc., Princeton: 1993; "The Death of Privacy", *Time*, August 25, 1997, Col. 150, No. 8.

اطلاعات راجع به تولد، ازدواج، طلاق، مالکیت اموال، گواهینامه‌های رانندگی، مشخصات وسایل نقلیه ثبت شده، سوابق قانون‌شکنی‌ها و تخلفات مؤثر، مشخصات پدری و مادری و نهایتاً وفات آنها ثبت گردیده است. در دایره وسیعی از ذخیره اطلاعات، مردم با نام، نشانی، شماره تلفن، شماره کارت اعتباری، شماره تأمین اجتماعی (بیمه‌های اجتماعی)، شماره گذرنامه و مواردی دیگر تعیین هویت شده‌اند. مردم از روی مشخصات و اوصاف دیگری از قبیل سن، رنگ مو، گردش مالی کارت اعتباری، مسافرت‌ها، سوابق استخدامی، سوابق استیجاری و نوع پرداخت اجاره‌بها، معاملات اموال غیرمنقول، تغییرات نشانی،^۷ تعداد و سن فرزندان و آبونمان مجله نیز توصیف و کدگذاری شده‌اند،^۸ که ابعاد و وسعت آنها بی‌نهایت است.

در جمع‌آوری بی‌امان اطلاعات، تکنولوژی اطلاعات به شیوه‌های گوناگون به کار گرفته شده است. به همین خاطر در وهله اول، بانک‌های اطلاعاتی کامپیوتری با نوع دقیق کد مربوطه، منظور گردیده و اطلاعات گردآمده از وقایع دنیای اطراف، در آنها بایگانی شده است. این بانک‌های اطلاعاتی، به داده‌های ثبت شده قابلیت انعطاف و نقل و انتقال آسان و ماندگاری دائمی بخشیده است. بدون تکنولوژی اطلاعات، کاربران و گردآورندگان اطلاعات قادر به جمع‌آوری داده‌ها و تولید بانک‌های اطلاعاتی قوی و غنی نخواهند بود و انتخاب و استنتاج اطلاعاتی که هدف اصلی چنین فعالیت‌هایی می‌باشد، ممکن نخواهد شد. حدود چهل سال پیش، این نوع استفاده از تکنولوژی اطلاعات جهت تولید بانک‌های اطلاعاتی که عمدتاً توسط دولت‌ها و دیگر سازمان‌های بزرگ به عمل می‌آمد، جذاب‌ترین موضوع روز در میان مفسران سیاسی و روزنامه‌نگاران و داستان‌نویسان به شمار می‌آمد.

⁷ H. Jeff Smith, in *Managing Privacy: Information Technology and Corporate America* (Chapel Hill: The University of North Carolina Press, 1994),

^۸ زیست‌شناسان مولکولی پیش‌بینی کرده‌اند که روزی در آینده نه چندان دور، یک نوع تراشه کامپیوتری قادر به ضبط کامل رشته "DNA" هر فردی در چیزهایی نظیر یک رمزیننه (بارکد یا رمز میله‌ای) خواهد بود.

تکنولوژی اطلاعات امروزه در توسعه و پیشرفت‌های پی‌درپی غوطه‌ور است، به خصوص باید از ظهور شبکه‌های گسترده الکترونیک دیجیتالی نام برد که وسیله جالب دیگری را در جهت برداشت اطلاعات مهیا ساخته است.

در جوامع صنعتی و پیشرفته دوران معاصر، ورود طیف وسیعی از گروه‌های مختلف اجتماعی به دایره ارتباطات الکترونیکی شبکه‌های کامپیوتری امری عادی تلقی می‌شود. دولت‌ها، همچون افراد و کارگزاران و نهادهای بخش خصوصی، این‌گونه ورود مشارکتی به مدار مذکور را صریحاً تشویق می‌کنند و به وسیله افزایش تدریجی سرعت و تمهید دستیابی آسان به آنها و نیز کاهش متناسب قیمت‌ها (مثلاً از طریق شبکه جهانی اینترنت)^۹ و همزمان، با ایجاد امکانات روزافزون و وسایل الکترونیکی برای استفاده در امور مختلف اجتماعی، بر توسعه بی‌وقفه آن پای می‌فشارند. روزی در قلمرو کامپیوتر، ثبت مستقیم اثر فعالیت‌های مردم در بانک‌های اطلاعاتی میسر خواهد شد. بعید نمی‌نماید که همه ارتباطات کامپیوتری، حتی پرسه زدن‌های آسوده خاطرانه در مدار کامپیوتر (معمولاً موسوم به «گشتی زدن»^{۱۰} و «موج سواری»^{۱۱}) ثبت و ذخیره شوند.^{۱۲} در فعالیت‌های کامپیوتری مذکور، تکنولوژی اطلاعات به دو جهت دخالت داده شده است: هم وسیله انتقال ارتباطات قرار گرفته است، هم منبعی غنی برای ذخیره اطلاعات است.

انعطاف‌پذیری قالب^{۱۳} الکترونیکی بسیار وسیع است. بانک‌های اطلاعاتی

⁹ World Wide Web.

¹⁰ browsing.

¹¹ surfing.

^{۱۲} یکی از شگردهای انجام این امر، ارائه مرحله‌ای برنامه «cookies - آدمیان» است که مظاهر آن از حیث عدم رعایت حق خلوت آدمیان و امنیت فردی مورد انتقاد و حمله قرار گرفته است. cookies برنامه‌های کوچکی هستند که از یک سایت (site) به سایت‌های دیگر منتقل شده است (معمولاً از یک صفحه وب web به یک مرور کننده شبکه وب) به منظور انتقال دادن اطلاعات مربوط به شکل ظاهری استفاده کننده سیستم، کاربری اطلاعات و همچنین اطلاعات دیگری که یک کاربر کامپیوتری مختارانه در cookies تدارک می‌بیند.

¹³ format.

ممکن است به منظور دستیابی به اطلاعات ثبت شده درباره افراد، بازخوانی شوند، یا بانک‌های اطلاعاتی دست نخورده ممکن است به وسیله شبکه‌های الکترونیک دیجیتالی منتقل شده باشند. برخی اداره‌های دولتی سریعاً متوجه این موضوع می‌شوند که اطلاعات ثبت شده در کامپیوتر آنها ممکن است منبع درآمدی چشمگیر برای آنها گردد. اما حتی وقتی که آنها از عرضه عمومی اطلاعات کامپیوتری پا پس کشیدند، دادگاه‌ها آنها را مجبور به انجام آن نمودند.

به همان اندازه که به کار بستن نظارت عمومی نگران کننده است، به نظر می‌رسد با نظریه‌های مهم ارائه شده درباره رعایت حق خلوت آدمیان، و با نظریه‌هایی که عمدتاً با دو جنبه از رعایت حق خلوت آدمیان ارتباط یافته‌اند قرابت دارند؛ یعنی، تأکید کردن بر رعایت حق خلوت آدمیان در مقابل مداخله دیگران به حوزه‌های خصوصی افراد، و حمایت از امور شخصی افراد در مقابل تجاوز مراکز دولتی به آنها. نظریه‌های فلسفی و حقوقی درباره حق خلوت آدمیان، برای حل کردن مشکل رعایت حق خلوت آدمیان در عرصه عمومی، اصلاً معیار صریح و توجیه کننده‌ای ارائه نکرده‌اند.

آنجا که در این نظریه‌ها بحث به رعایت حق خلوت آدمیان می‌رسد، در واقع، بغیر از برخی موارد استثنائی، به یک نقطه کور نظری می‌رسیم. این نظریه‌ها درک ما را نسبت به مبانی اخلاقی رعایت حق خلوت آدمیان در مقابل برخی ترس‌هایی که از راه سنت‌گرایی به ذهن راه یافته‌اند، نو کرده، و با مفاهیمی همچون نقض حیثه شخصی، سوءاستفاده از اطلاعات خصوصی، حمایت از امور شخصی افراد در برابر مداخلات حکومت و حمایت از اطلاعات شخصی ناشی از ارتباطات خاص (مانند: پزشک و بیمار یا وکیل و موکل و نظایر اینها) آشنا ساخته است.

در این مقاله، به مبانی مفهومی و نظریه‌ای حق خلوت آدمیان اهمیت داده شده، بدون آن که مانع بررسی جنبه عملی و مهم موضوع شده باشد. به نظر نگارنده، به ویژه در فقدان یک بیان روشن از موضوع، وجود قاعده و مبنا فلسفی، نه فقط منفعت نظری دارد، بلکه لااقل تا حدی می‌تواند نسبت به تناقضات و

گسیختگی‌ها و پراکندگی‌های موجود در حوزه عمومی و سیاست مشارکتی پاسخگو باشد.

در آوریل ۱۹۹۰، شرکت توسعه لوتوس،^{۱۴} توسعه دهنده و فروشنده پرطرفدار نرم‌افزار و یکی از سه شرکت بزرگی که درباره کنش و واکنش‌های مالی مصرف‌کنندگان، اقدام به جمع‌آوری اطلاعات و فروش آنها می‌نمایند،^{۱۵} توجه و تمرکز خود را بر تولید نوعی بانک اطلاعاتی معطوف کرد و آن را «مرکز تجاری لوتوس: مربوط به خانواده»^{۱۶} نامید که ظرفیت ذخیره اطلاعات واقعی و استنتاج شده درباره تقریباً ۱۲۰ میلیون افراد را در ایالات متحد داشت. آن اطلاعات شامل نام، آدرس، نوع مسکن، وضعیت تأهل، جنسیت، سن، درآمد خانوادگی، سبک زندگی و گرایش در نوع خرید می‌گردید. بانک اطلاعاتی مورد انتظار شرکت که در قالب CD-Rom^{۱۷} ثبت گردیده و فروخته شده بود، توسط فروشندگان و شرکت‌های پستی به طور گسترده مورد استفاده قرار گرفت. مخالفت توده مردم، با ارسال حدود ۳۰۰۰۰ نامه اعتراض‌آمیز، در ژانویه ۱۹۹۱ موجب متقاعد شدن مدیران شرکت به حذف طرح تولید شده بود. حتی هنگامی که هواداران رعایت حق خلوت آدمیان و دیگر افراد شرکت‌کننده در اعتراض مذکور، عمل مدیران شرکت را به عنوان پیروزی حق خلوت آدمیان بر افکار مخالف، با بوق و کرنا اعلام کردند، مدیران شرکت در پاسخ تأکید کردند که عقب‌نشینی آنان فقط ناشی از تبلیغات و جار و جنجال منفی و سوءتعبیر مردم از موضوع بوده است و نه به دلیل محکومیت ناشی از ارتکاب تخلف یا جرم.

از آن موضوع به عنوان پیروزی حق خلوت آدمیان بر افکار مخالف، استقبال شد، اما میراث قضیه مرکز تجاری لوتوس برای روش جمع‌آوری اطلاعات، کوچک

^{۱۴} Lotus Development corporation.

^{۱۵} دو شرکت دیگر عبارتند از TRW و واحد اطلاعات اعتباری Trans.

^{۱۶} Lotus marketplace: Households.

^{۱۷} علامت اختصاری compact disc read-only memory به معنای دیسک فشرده فقط خواندنی.

و بی‌اهمیت بود. نتیجه بحث نشان می‌دهد که در نبود اصول قاعده‌ساز^{۱۸} که به طور شفاف و قابل درک بیان شده باشد، تصمیم پس گرفتن طرح مذکور به وسیله خود شرکت، اصل و پایه کم‌بنیه‌ای را برای حل و فصل اعتراضات و مخالفت‌های بعدی تأمین می‌کند.^{۱۹} نظریه پردازان بر این که در تلاش تجاری شرکت فوق‌الذکر، حق خلوت آدمیان نقض شده است یا در دلایل این که چرا حق خلوت آدمیان نقض شده است، اتفاق رأی ندارند. همین ناهمگونی کلامی گروهی را به دیگر توفیقات فردگرایانه نیز تعمیم داده‌اند که حتی تلاش‌های سرسختانه هواداران سیاست را به زانو درآورده است. سرنوشت حق خلوت آدمیان در عرصه عمومی، در دست آنانی است که بیشترین زور و قدرت و قویترین گروه‌های متنفذ^{۲۰} را در اختیار دارند. در مجموع، موارد پیش گفته را نمی‌توان بازتاب ارزش‌های اصلی در رعایت حق خلوت آدمیان به حساب آورد.

۲- چرا حق خلوت آدمیان در عرصه عمومی رعایت نمی‌شود؟

اگر بخواهیم حق خلوت آدمیان در عرصه عمومی، در جهت پایه گذاری «منافع واقعی»^{۲۱} و در توجه به امور شخصی مردم عمل کند، نه فقط پی‌افکندن یک شالوده - که برای توجیه مطلب به آن خیلی نیاز داریم - ضروری می‌نماید، بلکه طرح این سؤال نیز مهم است که چرا نظریه‌های فلسفی و هنجاری درباره حق خلوت آدمیان، یا رعایت منافع واقعی حمایت از این حق در اجتماع را آشکارا کنار گذاشته‌اند و یا کاملاً به آن بی‌اعتنایی کرده‌اند؟

در شکل‌گیری نظریه‌های هنجاری در باره حق خلوت آدمیان، تنوع عوامل

¹⁸ Normative Principles.

¹⁹ Helen Nissenbaum, "Toward an Approach to privacy in public: challenges of information Technology".

²⁰ lobbies.

²¹ genuine interest.

مؤثر بوده و آنها را نسبت به برخی معضلات و محدودیت‌ها بیشتر حساس و پاسخگو کرده است و نسبت به برخی دیگر، کمتر. در زیر سؤال بردن این نظریه‌ها با این تفهّم که چرا آنها نسبت به نیروی هنجاری حق خلوت آدمیان در اجتماع، یا صرفاً کم لطفی کرده و یا آن را به کناری می‌نهند، سه عامل (شاید عوامل دیگر هم باشد) وجود دارد که من آنها را به ترتیب، «مفهومی»^{۲۲} و «هنجاری»^{۲۳} و «تجربی»^{۲۴} نامیده‌ام.

عامل مفهومی (conceptual): این تصور که ممکن است به حق خلوت آدمیان در عرصه عمومی تجاوز شود، نمود متناقض عجیب و غریبی دارد. یک منبع خوب و محتمل برای پاسخ به آن، شیوه بررسی اصطلاحات «عمومی»^{۲۵} و «خصوصی»^{۲۶} است که در نظریه‌های سیاسی و حقوقی به کار رفته است. اگرچه ممکن است در متون مختلف معانی خاصی برای آنها منظور شده باشد، واژه‌ها تقریباً همیشه به عنوان روشی جهت تمییز دوشاخگی^{۲۷} حوزه‌های نظری به کار رفته‌اند. به طور مثال، واژه «خصوصی» در برخی متون به قلمرو خویشاوندی و دیگر روابط شخصی و ارتباطات محرمانه اطلاق گردیده؛ در حالی که، واژه «عمومی» به قلمرو شهروندی و یا قلمرو اجتماعی خارج از امور شخصی دلالت دارد. در برخی زمینه‌ها، «عمومی» نشانگر حیطه مؤسسات دولتی است که در مقابل قلمرو شهروندان «خصوصی» یا مؤسسات «خصوصی» (همچون شرکت‌های خصوصی) به کار رفته است. در ارتباط با حقوق، اصطلاح «خصوصی» معمولاً بیانگر قلمروی مشخص و منحصّص به موضوعاتی است که بین مردم به عنوان حقوق «خصوصی» شهروندی استقرار یافته است و در مقابل حقوق «عمومی» به کار می‌رود که معمولاً مناقشات و ارتباطاتی را

²² conceptual.

²³ normative.

²⁴ empirical.

²⁵ public.

²⁶ private.

²⁷ dichotomy.

که مقامات رسمی و اداره‌های دولتی درگیر آن هستند، فرا می‌گیرد. در اثری همانند، جودیس دسیو^{۲۸} چنین می‌گوید:

«برخی اوقات، وجه جدایی عمومی - خصوصی، منعکس‌کننده تفاوت‌ها بین حوزه اختصاصی حکومت در مقایسه با رفتارهای «خودسامان»^{۲۹} افراد بوده است. به عنوان جداکننده زندگی خانوادگی از حوزه سیاسی نیز تعبیر شده است. این توصیفات گوناگون زبانی، هنوز در مفاهیم غیرمترادف، تداخل معانی ایجاد می‌کند. با وجود این، این فرضیه که به هر حال حد و مرزی برای جدا ساختن رفتارهای خصوصی از فعالیت‌های عمومی وجود دارد، مقبولیت جمعی یافته است».^{۳۰}

در بیشتر نظریه‌ها، به طور یکدست، این عقیده دنبال می‌شود که مفهوم و ارزش «خصوصی» با قلمرو «تنهایی» آدمیان مطابقت دارد و به آن معنا نزدیکتر است. در دهه‌های گذشته، به موضوع مورد بحث در آثار حقوقی و فلسفی مربوط به حق خلوت آدمیان، دقیقاً توجه شده است و در حمایت‌هایی که صریحاً از حق خلوت آدمیان به عمل آمده است، با دو شاخگی مفهومی این اصطلاحات غالباً سازگاری و هماهنگی دیده می‌شود.

بعد از معلوم شدن دوشاخگی بین حوزه‌های عمومی - خصوصی، برای شناخت این حوزه‌های جدا از هم، به مصادیق آنها اشاره شده است؛ یعنی، شهروندان و مؤسسات خصوصی در مقابل مؤسسات و اداره‌های دولتی؛ و فلاسفه به این موارد، نظری اساسی افکنده‌اند، همچنین نظریه‌پردازان سیاسی و حقوقی و دانشمندان و هواداران سیاست و نویسندگان به خوبی بر این امر واقف بوده‌اند که شناخت دقیق حوزه خصوصی افراد و توجه به این دوشاخگی، شیوه مؤثری در جهت بیرون نگه داشتن دولت از حیطه خلوت آدمیان و امور خصوصی مؤسسات

²⁸ Judith Decew.

²⁹ self-regulation.

³⁰ Judith Decew, In pursuit of privacy: Law, Ethics, and The Rise of Technology, p. 10.

غیردولتی به شمار می‌رود.^{۳۱}

بخشی مهمی از پژوهش‌های گذشته درباره حق خلوت آدمیان به شناخت دقیق حیطه خصوصی افراد معطوف گردیده و از آن به عنوان وسیله‌ای مؤثر جهت حفظ تعادل بین قدرت سنتی دولت و اشخاص خصوصی یاد شده است. این کار، مفهوم و ارزش حق خلوت آدمیان را با مجموعه‌ای قابل توجه از آثار نظری درباره رابطه فرد و دولت در جامعه سیاسی، هماهنگ نمود. در مجموع و در این راستا، ارزش حق خلوت آدمیان گسترش و ترویج یافت. به همین دلیل، حق خلوت آدمیان به عنوان ابزار مهمی برای حفظ قدرت فردی و آزادی و حق خودمختاری در مقابل نیروهای بالقوه سرکوبگر حکومتی شناخته می‌شد، و امکان پس زدن تفکر سنتی «تعادل قدرت به نفع حکومت» را به وجود آورده بود. وجود بت‌های خیالی قدرتمند، مانند «ناظر کبیر»،^{۳۲} که در زمان ۱۹۸۴ جورج اُروِل^{۳۳} نشان داده شده، همراه با تجربیات عینی از زیستن در حیطه نظام‌های استبدادی، اعتبار قابل توجهی به تلاش‌های عملی هواداران حق خلوت آدمیان بخشیده است.

به موازات بحث دوشاخگی عمومی - خصوصی که حوزه‌های شخصی یا حساس^{۳۴} را در یک طرف، و غیرشخصی را در طرف دیگر نشان می‌دهد، کارهای قابل توجهی به وسیله فلاسفه و دیگران در جهت حمایت از حیطه‌های شخصی و حساس افراد در مقابل دخالت دولت یا افراد دیگر و سازمان‌های دولتی، وجود دارد.

³¹ See Priscilla Regan, *Legislating Privacy: technology, Social Values, and Public Policy*, for an excellent discussion of privacy policy. Regan pinpoints the SSRC's 1965 proposal as a key point in the history of privacy policy with respect to records of information about people.

³² Big brother.

«ناظر کبیر» برابر نهاده‌ای است برای Big brother، که معنای تحت‌اللفظی آن «برادر بزرگ» است. اما در کتاب ۱۹۸۴ به آدمی اطلاق می‌شود که در رأس حکومتی توتالیتر قرار گرفته و مراقب کردار و گفتار و اندیشه آدم‌های زیر سلطه خویش است. کتاب مذکور توسط آقای صالح حسینی به زبان فارسی ترجمه شده و توسط انتشارات نیلوفر به چاپ رسیده است (چاپ چهارم ۱۳۶۹) (م).

³³ George Orwell.

³⁴ sensitive.

این آثار، نشانگر وجود حوزه‌های برجسته شخصی و خانوادگی در یک طرف، متفاوت با حوزه عمومی که در طرف دیگر قرار دارد، می‌باشد. قصد آنانی که بر اهمیت شناخت حیطة شخصی افراد تأکید ورزیده‌اند، بوده است که بر ارتقای حمایت منسجم از متعلقات شخصی افراد که در این حیطة می‌گنجد (مانند آزادی عمل، اختیار، ارتباطات شخصی و اعتماد متقابل افراد) بیفزایند. بنابراین، تلویحاً با گسترش حمایت از حق خلوت آدمیان و متعلقات شخصی مذکور، به حمایت از این ارزش‌های جهانی نیز می‌پرداختند و عملاً استقلال فردی و آزادی و اختیار افراد را با حق خلوت آنان همسنگ می‌پنداشتند.

عامل هنجاری (Normative): ادعای حمایت از حق خلوت آدمیان در عرصه عمومی، در درجه دوم اهمیت قرار دارد؛ زیرا آن ادعا در مقایسه با مخالفت به ظاهر انکارناپذیر و پیوسته افراد که به منافع و مصالح رقابتی مهمتر (درجه اول) آنان مربوط می‌شود، سخت آسیب‌پذیر ظاهر شده است. چه طور ممکن است؟ نظریه پردازان و هواداران حق خلوت آدمیان در این نکته هم‌رأی هستند که حق خلوت آدمیان به عنوان یک علاقه و خواسته مهم، وقتی قابل طرح و ادعا می‌تواند باشد که در تعارض با خواسته‌ها و علایق دیگران، حالت تعادل و انعطاف به خود بگیرد (این سیاست و تدبیر البته منحصر به حق خلوت آدمیان نیست و در امور دیگر نیز کاربرد دارد). آنجا که نظریه پردازان در روش‌های مختلف خود بر حمایت از حق خلوت آدمیان تأکید ورزیده‌اند، بر این نکته نیز اذعان داشته‌اند که این حمایت از افراد، ناگزیر ممکن است به محدود شدن اختیار و آزادی دیگری یا دیگران منتهی شود؛ یا حتی ممکن است موجب آسیب دیگری گردد. مطابق این اظهارات اعتراف‌آمیز، حق خلوت آدمیان از حیث اخلاقی مستعد تعدیل و تخفیف بوده و استفاده از این حق، منوط به رفع خواسته‌ها و علایق متعارض با آن گردیده است؛ چنانکه حق خلوت آدمیان در اجتماع کراً قربانی حفظ این تعادل بوده است، زیرا مرتباً مغلوب سنگینی و اهمیت به ظاهر کوبنده و توانفرسای خواسته‌های متعارض بوده و می‌باشد.

شرح صریحی از این مخالفت را می‌توان در مقاله جفری ریمن^{۳۵} با عنوان «حق خلوت آدمیان، خصایص شخصی و شناخت کامل» به دست آورد. ریمن، حق خلوت آدمیان را به عنوان نوعی رفتار و روال اجتماعی توصیف کرده که متضمن «مجموعه‌ای از رفتارهایی است که به صورت اجتناب از کنکاش و پرسیدن سؤال‌هایی راجع به مسائلی که به هیچ کس مربوط نمی‌شود، نمود می‌یابد؛ مثلاً اجتناب از نگاه کردن به داخل اتاقی که پنجره‌های رو به خیابان آن گشوده است».^{۳۶} او استدلال می‌کند که رعایت حق خلوت آدمیان، برای شناختی از معنای فردیت و تنهایی آدمیان ضروری است؛ با وجود این، تأکید می‌کند که با قبول حق مذکور نمی‌توان مدعی شد که لازمه آن «هرگز دیده نشدن عینی افراد در اجتماع است، هر چند در یک خیابان شلوغ و پر تردد».^{۳۷}

نکته دیگری که وجود دارد این است که مردم سعی در پوشاندن و پنهان کردن یا دور کردن خود از جامعه ندارند و اطلاعات مربوط به خودشان را از دیدرس عموم پنهان نمی‌کنند؛ در این صورت آنها با اراده خود اطلاعات شخصی را در اختیار حوزه عمومی قرار داده‌اند و به اصطلاح «بند را آب داده‌اند».^{۳۸} بدین‌سان، بعد از آن که از روی اراده اطلاعات شخصی خود را عیان ساختند، نمی‌توانند با فرافکنی به گذشته، تغییر روش داده و بر اطلاعات لو رفته سرپوش بگذارند؛ در واقع این انتظار غیرمعقولی است که برخی دارند و آن را به حق خلوت خود می‌چسبانند. به عنوان مثال، اگر شما با پوشیدن پیراهن قرمز در مرکز شهر قدم بزنید، خود خواسته‌اید که در معرض دید عموم قرار بگیرید؛ بنابراین، این انتظار که بر اطلاعات درز یافته شما مبنی بر این که در یک زمان و تاریخ مشخص و در محل معین پیراهن قرمز به تن داشته‌اید، سرپوش گذاشته شود، معقول و منطقی نیست. نه فقط معقول نیست، بلکه

³⁵ Jeffrey Reiman, "Privacy, Intimacy and Personhood", *Philosophy & Public Affairs*, 6 (1), (1976), pp. 26-44.

³⁶ Reiman, "Privacy, Intimacy and Personhood", pp. 43-44.

³⁷ Reiman, "Privacy, Intimacy and Personhood", p. 44.

³⁸ let the cat out of the bag.

غلط هم هست؛ زیرا بر آزادی دیگران قید و بند نامقبولی می‌نهد. اگر بنا بر تصمیم شخصی، اطلاعات خود را در منظر عموم می‌نهد با این هدف که دیگران به شما یا اطلاعات راجع به شما دسترسی داشته باشند بدون آن که وارد حیطه خلوت شما گردند، در این صورت، نمی‌توان بر آنچه دیگران ممکن است در باره این اطلاعات، مشاهده یا ثبت یا تحصیل کنند، محدودیت موجهی قائل شد. در مثال یادشده، شما نمی‌توانید مثلاً از دیگران انتظار داشته باشید که نگاهشان را از شما برگردانند به نحوی که آنچه را شما پوشیده‌اید نبینند، و نیز نمی‌توانید مانع شوید که راجع به نوع پوشش شما یادآوری نگردد، و بالاخره آن که، نمی‌توانید مانع انتقال موضوع به دیگران شوید. چنین انتظاراتی، به محدودیت بیش از حد آزادی دیگران در مشاهده، انتقال کلامی (درباره پیراهن قرمز شما)، و نفع احتمالی که ممکن بوده از چنین عملی به دست آورد، منتج خواهد شد. این ملاحظات که دایره وسیعی از مباحث مربوط به حق خلوت آدمیان را به خود اختصاص داده، به ندرت مورد اعتراض و بررسی مستقیم قرار گرفته است. در مقاله مؤثر چارلز فِرد^{۳۹} درباره حق خلوت آدمیان، به عنوان مثال، اگرچه او از جنبه‌های مؤثر اخلاقی و قانونی این حق دفاع می‌کند، به همان اندازه نیز در بیان محدودیت‌های اجرای آن صراحت دارد. از طرفی، اظهار می‌دارد که حق خلوت آدمیان، حق کنترل اطلاعات شخصی است و باید در قانون مورد حمایت قرار گیرد؛ از طرفی دیگر، علی‌رغم به رسمیت شناختن قانونی حق مذکور، اجرای آن فقط در محدوده‌ای از اطلاعاتی که به طور سنتی و عرفی تعیین شده است، گستره خواهد داشت؛ حدود این اطلاعات، «نمادی از تمام اقدامات مربوط به امور شخصی» آدمیان است، و لاغیر. بنا بر نظر فِرد، این محدوده مشخص شده، که مضامین و دایره آن ممکن است از یک جامعه به جامعه دیگر به طور قابل ملاحظه‌ای متنوع و متفاوت باشد، فقط اطلاعات شخصی یا خانوادگی را در برمی‌گیرد و محدوده حمایت شده آن، خارج از حوزه به اصطلاح «عمومی» قرار دارد. منطبق فِرد برای این «واقعیت اجتناب‌ناپذیر که حق خلوت آدمیان را در هر یک

³⁹ charles fried.

از نظام‌های اجتماعی شدیداً خدشه‌دار کرده» این است که «حقوق افراد، به ناچار در تناسب با حقوق دیگران باید کاملاً عادلانه اعمال گردد...».

به دلایل مشابه، لاری هانتز^{۴۰} می‌پذیرد که «گرچه نگاه کردن در پنجره دیگری و کنکاش در این که آنها در حال انجام چه کاری هستند، در حکم نقض حق خلوت دیگران است، اما درباره طرف مقابل چنین نیست؛ وقتی که شخصی در اتاق خود نشست است و از پنجره خود بیرون را نظاره می‌کند، این که بر عمل او محدودیت قائل شویم و فعل وی را نقض حقوق دیده‌شوندگان (در بیرون) تلقی کنیم، منطقی نخواهد بود؛ زیرا او به عرصه عمومی می‌نگرد؛ در حالی که شخص اولی، به حیطة خلوت دیگری نظاره می‌کرده است...» چه در عمل و چه در حوزه نظری، مانع دیدن و آگاه شدن و صحبت کردن دیگران درباره رویدادهایی که در حوزه‌های عمومی رخ می‌دهند، نمی‌توان شد و انتظار آن نیز غیرمعقول است. در قضیه پیش گفته «لوتوس» نیز با استناد به این ملاحظات، اتهام نقض قواعد اخلاقی یا تخلف قانونی آنان رد شده بود، زیرا مدیران آن شرکت بر این نکته تاکید کرده‌اند که فقط از اطلاعاتی که در حوزه عمومی درز کرده بود، استفاده کرده‌اند؛ به عبارتی دیگر، اطلاعاتی که استفاده شده بود، با کنکاش ویژه در امور شخصی آنها به دست نیامده است بلکه اطلاعاتی بوده که به هر دلیل در حوزه عمومی جریان داشته است و مشمول اطلاعات شخصی یا خانوادگی مردم که به حوزه عمومی سرایت نکرده باشد، نمی‌گردید.^{۴۱}

در مجموع، تلاش‌هایی که برای دفاع از حق خلوت آدمیان در اجتماع به عمل آمده، هم در عمل و هم در نظر، به واسطه گونه‌هایی از مباحث مربوط به منافع و مصالح رقابتی و متعارض افراد در اجتماع که از نظر هنجاری ناگزیر و اجتناب ناپذیرند، متزلزل گردیده است. این تزلزل در حمایت از حق مذکور، به طور ملموس

⁴⁰ Larry Hunter.

⁴¹ Katz v. United States, 389 U.S. 347, 361 (1967) & Florida v. Reilly (O'Connor, J. concurring).

و مؤثر در آثار فلاسفه و نظریه‌پردازان سیاسی و قضات دادگاه‌ها دیده می‌شود؛ همچنین، سوداگرانی که از به کارگیری این نقطه ضعف منفعت می‌برند، پرچمدار اصلی گسترش آن هستند.

عامل تجربی (Empirical): در این قسمت، توجیه سومی از علت این که چرا نظریه‌پردازان به مشکل رعایت حق خلوت مردم در عرصه عمومی بی‌اعتنایی نشان داده‌اند، ارائه خواهد شد. مردم می‌توانند، حتی زمانی که در محیط عمومی حرکت می‌کنند، بر ناشناختگی و گمنامی تقریبی خود در اجتماع حساب کنند. نمونه‌ای از این فرض را در کار کارآگاه خیالی،^{۴۲} الکساندر گلد،^{۴۳} در حین بازجویی از یک شخص متهم به قتل عمدی می‌بینیم:

«شما به اندازه کافی تنفر خود را نسبت به مقتول نشان داده‌اید تا بتوانیم از آن به عنوان دلیل قتل استفاده کنیم».

«نفرت نداشتم، آقای گلد، دلزده بودم. اگر من او را کشته بودم، آیا احساسی را که نسبت به او داشتم، فاش می‌ساختم؟»

«شاید. شما ممکن بود برخلاف داده‌های روان‌شناختی تلاش کنید».

«بله، اما پروفیسور موریرتی،^{۴۴} شما می‌دانید که من می‌دانم که شما در واقع می‌دانید که من واقعاً می‌دانم...»، کِرش^{۴۵} گذاشت صدایش کم‌کم محو شود».

«الکساندر پوزخندی زد و گفت: بسیار خوب. بیا راجع به موضوعات دیگر صحبت کنیم. وقتی تالبوت کشته شد، تو کجا بودی؟».

«در پارک مرکزی شهر قدم می‌زدم».

«شهود؟».

«صدها نفر...»

⁴² fictional detective.

⁴³ Alexander Gold.

⁴⁴ Moriarty.

⁴⁵ kirsch.

«بنابراین شما یک دلیل برای اثبات - غیبت از محل وقوع جرم^{۴۶} - دارید...».
 «نه دقیقاً...»^{۴۷}

به وسیله صدها نفر دیده شدن و مورد توجه هیچکس نبودن!

فردی که در جریان فعالیت‌های روزانه‌اش حرکت می‌کند، در مورد نظارت بیجای دیگران نگرانی ندارد، حتی اگر به وسیله شخص دیگری، «مشاهده»^{۴۸} هم شده باشد؛ مثلاً وقتی که در چهارم آوریل ۱۹۹۷، شلواری از پارچه کلفت و راه‌راه کتان‌ی و پیراهن یقه‌اسکی آبی رنگ بر تن داشته و ولگردی می‌کرده و نیز قدش بلند بوده و موهایش به صورت بلند طلایی به نظر می‌رسیده، به وسیله دیگران مشاهده شده است؛ یا در حین مذاکره با معلم مدرسه دربارهٔ تحصیل پسرش، شخص ثالثی گفته‌های وی را شنیده است؛ و یا متعاقباً در همان روز، به وسیله شخص ثالثی در حین مشارکت در یک راه‌پیمایی مشاهده شده باشد و... تمام این فعالیت‌ها در منظر عموم رخ داده است و همه آنها ممکن است دیده شده و حتی یادداشت شده باشند اما هیچ‌یک از این مثال‌ها دربارهٔ مشاهده شدن، ضرورتاً تهدیدآمیز و خلوت‌شکنانه محسوب نمی‌گردند.

چه چیز تغییر کرده است؟ پیشرفت‌های عمده در تکنولوژی کامپیوتر بر امکانات ما نسبت به اطلاعات تأثیر محسوس گذاشته است. این پیشرفت‌ها بسیارند، از جمله: کاهش تصاعدی قیمت ذخیره‌سازی اطلاعات در کامپیوتر، پردازش تسلسل‌وار،^{۴۹} افزایش سرسام‌آور قدرت انتقال، توانایی تولید بسیار و پیچیده بانک‌های اطلاعاتی غیرمتمرکز در شبکه‌های کامپیوترهای کوچک و سرویس‌های

⁴⁶ Alibi.

⁴⁷ Herbert Resnicow, *The Gold Solution* (New York: St. Martin's Press, 1983), pp. 116-117.

⁴⁸ دیدن در جامعه‌شناسی چیزی بیش از «به چشم خوردن» است. منظور آنها از "observation" دیدن با چشم به تنهایی نیست بلکه لمس کردن، چشایی، بویایی، شنوایی، همه مشاهده است. از این‌روی این واژه را باید به «ادراک حسی» معنا و ترجمه کرد. (عبدالکریم سروش، *درسهایی در فلسفه علم/اجتماع*، نشر نی، چاپ سوم ۱۳۷۹، صفحه ۲۸۹). (م)

⁴⁹ coupled processing.

ارتباطات شخصی، استفاده از سیستم‌های ویژه (expert) برای پردازش داده‌ها و مدیریت مشارکتی داده‌ها در مؤسسات و....

این پیشرفت‌ها در تکنولوژی اطلاعات و فعالیت‌های جمع‌آوری اطلاعات، چنین تعبیر شده است:

- (۱) در مقدار اطلاعاتی که می‌توان ثبت نمود، عملاً محدودیتی وجود ندارد.
- (۲) در تحلیل داده‌ها عملاً محدودیتی وجود ندارد فقط به وسیله خلاقیت‌های بشری محدود شده است.

(۳) این امکان وجود دارد که اطلاعات در عمل برای همیشه ذخیره گردند. در حوزه عمومی، اطلاعاتی که روزی پراکنده و گذرا بود، امروز این امکان وجود دارد که ترتیب و تنظیم یابند و با قابلیت ثبت دائم، ذخیره گردند. امروز با اطلاعات کارهای بسیاری می‌توان کرد، مانند: ادغام تدریجی و مقایسه زمان واقعی مشاهدات با آنچه در گذشته نشان داده شده است، مرتبط کردن اطلاعات مربوط به مشاهدات با یکدیگر و جابه‌جایی شبکه‌ای اطلاعات. مقایسه کنید دلیل آقای کِرش را برای غیبت از محل وقوع جرم با تصویر منظم و کاملی که می‌توان با امکانات مذکور به دست آورد.

در فعالیت‌های مربوط به ثبت رخداد‌های اجتماعی وجود این تغییرات بسیار محسوس است. مطابق قانون آزادی اطلاعات،^{۵۰} تمام نگارش‌های ثبت شده دولتی، جز آنهایی که صراحتاً استثناء شده‌اند (مثل مسائل مربوط به خلوت آدمیان قید شده در قانون رعایت حق خلوت مردم مصوب ۱۹۷۴)، به طور کاملاً آزاد در دسترس عمومی قرار می‌گیرند، حتی گروهی از اطلاعات ثبت شده راجع به مشخصات فردی مردم، نظیر: تولد، مرگ، ازدواج و طلاق، امور رانندگان، ثبت‌های مربوط به مالکیت اموال غیرمنقول، اطلاعات ثبت شده دادگاه‌ها، و نظایر اینها که جنبه عمومی دارند. با ظهور امکانات کامپیوتری فوق‌الذکر، دسترسی به اطلاعات مذکور بسیار سریع صورت می‌گیرد؛ اما در گذشته، هر کس که در جست‌وجوی این اطلاعات بود

⁵⁰ F.O.I.A. 5 U.S. Code, sec 552, 1966, strengthened in 1974 and 1976.

باید به محل ثبت اطلاعات مانند دادگاه‌ها و اداره‌های مربوط به وسایل نقلیه مراجعه می‌کرد و با تحقیق و تلاش دقیق و پرزحمت و نهایتاً تصویربرداری از اطلاعات مورد نیاز، به هدف خود می‌رسید. به هر حال، تلاش اخیر برای رسیدن به اطلاعات مورد نظر، عملاً حیطه دسترسی به اطلاعات و افشاگری آنها را محدود می‌کرد. در رویه قضائی نیز، این الزام طبیعی عمومی شدن و معروفیت فراوان مشخصات فردی در عرصه عمومی از طریق کامپیوتری شدن اطلاعات ثبت شده که قبلاً به صورت ثبت‌های کاغذی بود، ناگزیر پذیرفته شده و مصداق نقض حق خلوت آدمیان تلقی نگردیده است. با این حال، هواداران حق خلوت مردم، برخلاف آراء دادگاه‌ها و نظر بسیاری سازمان‌های رسانه‌ای و دلالتان اطلاعات و فروشندگان، عقیده‌ای دیگر ابراز کرده‌اند و آن، ارزیابی مجدد معیارهای مربوط به اطلاعات عمومی است که در نتیجه، باعث محدود شدن دایره اطلاعات ثبت شده عمومی می‌گردد.

۳- آیا باید از حق خلوت آدمیان در اجتماع، حمایت کنیم؟

چرا مفاهیم مربوط به حق خلوت آدمیان که توسط برجسته‌ترین نظریه‌های فلسفی و هنجاری مطرح شده است، در جهت مقابله با تجاوزات به حق مذکور که در حوزه‌های به اصطلاح «عمومی» رخ می‌دهند، کارایی نداشته است؟ زیرا به دلایلی که در اصل، مفهومی و هنجاری و تجربی هستند (و قبلاً بحث شد)، این نظریه‌ها فاقد سازوکارهای لازمی است که به تعارضات پیش آمده در رعایت حق خلوت آدمیان و به سؤالات سخت و پیچیده راجع به نظارت در حیطه‌های غیرشخصی پاسخ منطقی و موجه ارائه کرده باشند و در تعیین دقیق مرز نظارت‌های معقول از نظارت‌های غیرمنطقی کوتاهی ورزیده‌اند.

دغدغه خاطر به ظاهر ایجاد شده در فرآیند نظارت عمومی بر مسائل شخصی مردم، بروز خشم و انزجار مردم است. نمونه این واکنش را در ۳۰۰۰۰ نامه اعتراض‌آمیز علیه شرکت لوتوس دیدیم. نمونه‌های بسیاری از اعتراضات مردم علیه دخالت‌های حکومت در حق خلوت آنان، در رسانه‌های گروهی مشاهده می‌شود؛ از

جمله اعتراض ۹۰ درصدی مردمی که در یک سنجش افکار عمومی نسبت به جمع‌آوری اطلاعات شخصی مصرف‌کنندگان توسط فروشندگان زنجیره‌ای اعلام گردید.^{۵۱} البته تأثیر مطبوعات در افشای مداخلاتی که در قالب نظارت عمومی اعمال می‌شود، قابل توجه است؛ مثلاً به این نقل قول خلاصه شده از بحث Risks چاپ شده در یک روزنامه محلی توجه فرمائید: «اخیراً... چندین شرکت با سوءاستفاده از شبکه اینترنت شروع به انتشار بانک‌های اطلاعاتی بزرگ از اطلاعات شخصی مردم (بدون اجازه آنان) نموده‌اند. این نوع فعالیت‌ها، علاوه بر آن که غیراخلاقی هستند، در بسیاری موارد ممکن است حتی خطرناک هم باشند...».

موردی دیگر، افشای تبلیغات پوچ (spam) است که از نامه‌های الکترونیکی بر روی شبکه اینترنت جمع‌آوری می‌شود و اخیراً موجب خشم شرکت‌های تأمین‌کننده ارتباط اینترنت گردیده است. در این فرآیند، به جمع‌آوری نشانی الکترونیک افراد اقدام می‌کنند و روزانه میلیون‌ها نشانی جدید کشف می‌کنند و در دیسک‌های فشرده شامل میلیون‌ها نشانی الکترونیکی به متقاضیان فروخته می‌شود. در برخی سرویس‌های spam فهرست مشخصات دقیق مردم وجود دارد، از قبیل: نام و نشانی پست الکترونیکی، نشانی محل سکونت، شماره تلفن. حتی در برخی سرویس‌ها امکان نشان دادن نقشه محل اقامت همسایه‌های یک شخص و موقعیت خانه وی در آن نقشه، وجود دارد....

خلاصه آن که، افرادی که در این‌گونه اقدامات دست دارند، بدین‌وسیله، میلیون‌ها دلار در سال درآمد کسب می‌کنند. به هر حال، شیوع اقدامات مذکور، از تعرضات جدی به حق خلوت آدمیان محسوب می‌گردد. از طرفی دیگر، ناهنجاری‌های روز افزون مذکور، به نوعی ناشی از مفهوم مبهم حق خلوت آدمیان است. چنانکه گرتی^{۵۲} نیز از این ابهام چنین ابراز نگرانی کرده است:

⁵¹ Smith, *Managing Privacy*, p. 125.

⁵² Tom Gerety, "Redefining Privacy," *Harvard Civil Rights-Civil Liberties Law Review*, 12 (2) (1977), p. 234.

«حق خلوت آدمیان، ملاک مفهومی محدود ندارد، بلکه ویژگی آن فراحی معناست؛ زیرا این حق، ظرفیت متغیر و سیال و نامحدود دارد و گاهی همه چیز را درباره افراد در برمی‌گیرد... به هر حال، ارائه یک مفهوم محصور قانونی از حق مذکور، کمی وضع ما را در شناخت آن بهتر خواهد کرد، به شرط آن که، مفهوم قانونی به مثابه گازی که فضای موجود را به سرعت پر می‌کند، خلأ موجود را بپوشاند...».

در حالی که او حق خلوت آدمیان را به «جزیره خودمختاری شخصی»^{۵۳} تشبیه می‌کند، در ادامه، دایره این خودمختاری را به «آشنایی کامل با هویت شخصی» محدود می‌نماید.

پارنت در تعریف حق خلوت آدمیان، آن را فقط وقتی قابل حمایت می‌داند که اطلاعات مربوط هم اساساً شخصی باشد و هم در حیطه عمومی ارائه نشده باشد؛^{۵۴} به عنوان مثال، اگر اطلاعات شخصی در روزنامه‌ای گزارش شده باشد، دیگر در حیطه حق خلوت صاحب آن نمی‌گنجد و نمی‌توان دسترسی دیگران را به اطلاعات اعلام شده محدود کرد و یا آن را نقض حق مذکور نامید. او نتیجه می‌گیرد که هر نوع اطلاعات دیگری که در حیطه حق مذکور قرار می‌گیرد باید عاری از هرگونه تناقض آشکار با مصالح دیگران باشد.

بنابراین، در جمع‌آوری اطلاعات نباید از واکنش احساسی مردم به عنوان یک نشانه، غفلت کرد. این واکنش‌ها، واسطه‌های ساده‌ای هستند که ما را در شناخت بهتر حیطه خلوت آدمیان و درک وسیعتر منشأ آنها یاری می‌رسانند. افزون بر این، در برداشت منطقی ما از این که حق خلوت آدمیان ارتباط وثیق با جنبه اخلاقی خواسته‌های شخصی مردم دارد، راهنمای خوبی خواهد بود. بالاخره آن که، فهم علمی واکنش‌های ناراضامندانه مردم به نقض حق خلوت خود، نقبی است بر عمق

⁵³ Island of personal autonomy.

⁵⁴ William Parent, "Privacy, Morality, and the Law", *Philosophy & Public Affairs* 12 (5) (1983), p. 271. See also DeCew, *In Pursuit of Privacy: Law, Ethics, and the Rise of Technology*, especially Chapter 2, for a careful critique of Parent's position.

نیازهای بشری که فراتر از تمایلات و خواسته‌های ظاهری محض قرار دارند. از این‌رو، نباید رعایت حق خلوت آدمیان را با لایه‌های زیرین زندگی اجتماعی بی‌مناسبت تلقی کرد.

در اینجا به چند نکته مرتبط اشاره می‌کنیم. اول آن که، اگر اطلاعات به طور مناسب و شایسته ثبت شوند و در راستای مصالح عمومی به کار روند و با صداقت کامل با اوضاع و احوال خاص و زمینه مربوط به آنها، مطابق باشند، علی‌الاصول، مخالفتی بر نمی‌انگیزند. به بیانی دیگر، در جمع‌آوری اطلاعات باید به اصل متن پای‌بندی نشان داد. مردم در بیان اطلاعات محرمانه خود به پزشکان (مثلاً در بیان جزئیات وضعیت فیزیکی خود) ابائی ندارند، یا درباره مشکلات فرزندان خود با معلمان آنان به صراحت سخن می‌گویند، یا برای دفاتر اعتبارات در بانک‌ها اوضاع مالی خود را صریحاً فاش می‌کنند؛ بدیهی است در مثال‌های مذکور، ثبت این اطلاعات با مصالح عمومی ارتباطی ندارد و انتقال آنها به عرصه عمومی، شایسته و مناسب نیست. در تشخیص اطلاعات مناسب برای ثبت عمومی از اطلاعات ناشایست، هنجارهای صریح یا ضمنی بسیاری وجود دارد. مثلاً اگر از کارمندی راجع به سوابق آموزشی و استخدامی وی سؤال کنند، خلاف هنجار عمل نشده است؛ اما اگر از او راجع به وضع قانونی مربوط به روابط زناشویی یا روابط جنسی گذشته او سؤال شود، بدیهی است برخلاف هنجارهای قاطع، عمل شده است.

همچنین مردم در ارائه اطلاعات شخصی خود، آنجا که مناسب می‌بینند، محتاط نیستند، اما عموماً در سؤال از وابستگی‌های مذهبی آنان، عکس‌العمل نشان می‌دهند و آن را کاملاً شخصی تلقی می‌کنند. به هر حال، خشم و انزجار مردم وقتی عیان می‌شود که اطلاعات مربوط به امور شخصی، احساسی و خانوادگی آنها با سماجت دنبال شود. این خشم و انزجار را در واکنش به فضولی‌های منسوبان کنجکاو درباره جزئیات کاملاً خصوصی نیز می‌توان مشاهده نمود. بدین‌سان، عرف‌های مرسوم در تعیین این هنجارها نقش اساسی ایفاء می‌کنند؛ و آنها را در انواع ارتباطات اجتماعی انسان‌ها می‌توان یافت. به عنوان مثال، ارتباط کارگر با کارفرما،

وزرا با مجلسیان، پزشک با بیمار، زن با شوهر، والدین با فرزندان، و نظایر اینها. این ارتباطات متضمن مفاهیم و هنجارهای مربوط به حق خلوت آدمیان‌اند، نیز چگونگی رفتارهای متقابل و مناسبت‌های اجتماعی که نوع و درجه آگاهی افراد را نسبت به یکدیگر تعیین می‌کنند، همه و همه ما را در شناخت ظرایف حق خلوت آدمیان پیش می‌برند. چنانکه هنجارهای مناسب در یک رابطه، ممکن است در رابطه‌ای دیگر نامناسب جلوه کند. بدین ترتیب، باید در شناخت بازتاب انواع اطلاعات در اجتماع دقیق باشیم و بین اطلاعاتی که «در دسترس همه»^{۵۵} است، با اطلاعاتی که فقط در برخی اماکن عیان می‌شوند، تفاوت قائل شویم. اطلاعات نوع اول را به هیچ وجه نمی‌توانیم در حیطه حقوق خلوت مردم به رسمیت شناسیم، حتی اگر کاملاً شخصی باشند، بنابراین وقتی اطلاعات شخصی مردم به طرز نامناسبی برملا شود، اخلاقاً حق آنها نقض شده است.

بنا به مراتب مذکور، مردم از پخش بی‌حد و حصر و غیرمجاز اطلاعاتشان، رنجیده خاطر می‌شوند و مراقبت از اطلاعات شخصی و در دسترس همه قرار ندادن آنها با حق خلوت آدمیان ارتباط دقیق و وثیق دارند.

۴- انباشت اطلاعات^{۵۶}

در مرکز جمع‌آوری و ذخیره‌سازی دائمی اطلاعات، فعالیت‌های کامپیوتری معتنا بهی همچون پردازش نمایه یا «نمایه‌سازی»^{۵۷} «تطبیق دادن داده‌ها»^{۵۸} «انباشت اطلاعات» و «تحلیل داده‌ها»^{۵۹} وجود دارد که به منابع اطلاعات راجع به

^{۵۵} up for grabs.

^{۵۶} aggregation.

^{۵۷} profiling.

^{۵۸} Matchings (فرآیند آزمایش برابری دو عنصری داده).

^{۵۹} data mining.

فرایند تعیین الگوهای سودمند تجاری یا ارتباطات در بانک‌های اطلاعاتی یا سایر وسایل ذخیره‌سازی کامپیوتری با استفاده از ابزارهای آماری پیشرفته.

مردم تقسیم می‌شوند. این اطلاعات انبوه در بانک‌های اطلاعاتی تولیدی با مجموعه‌ای از الگوهای اطلاعات جمع شده‌اند. اسمیت (smith) برخی از موضوعات را شرح داده است. مثلاً گفته است که A.T.T. دفترهای راهنمای تخصیص یافته برای ۸۰۰ شماره تلفن مربوط به مشتریان را تولید می‌کند. بانک‌های اطلاعاتی که اسمیت مطالعه کرده است، سیستم تخصیص پیشرفته‌ای را برای طبقه‌بندی شرح حال افراد در داخل گروه‌های نمایه‌سازی به وسیله انباشتن اطلاعات مربوط به آنها، به وجود می‌آورد. در این بانک‌های اطلاعات، انباشت اطلاعات حیرت‌آور است و تقریباً تمامی اطلاعات قابل دسترس آدمیان را در خود جای داده‌اند؛ مانند: مشخصات پروانه رانندگی و وسایل نقلیه موتوری، فهرست‌های ثبت شده رأی‌دهندگان در انتخابات عمومی، فهرست‌های شماره بیمه‌های تأمین اجتماعی، ثبت‌های تولد، سوابق دادگاهی، و نظایر اینها؛ همچنین شرح حال افرادی که مشمول این ثبت‌ها می‌شوند مفصلاً ذخیره شده است، مانند قدرت خرید آنان (از طریق سنجش فهرست عملکرد کارت اعتباری، میزان درآمد برآورد شده آنان، هزینه‌های مشخص آنان و غیره)، فعالیت‌های خرید آنان (حساب‌های فعال، بدهی‌های بانکی و غیره)، اطلاعات خرید و اطلاعات جمعیت‌شناختی (شغل، وضع قانونی ازدواج، محل اقامت، جنسیت، اماکن خرید و غیره).

انباشت اطلاعات به بخش خصوصی محدود نمی‌شود. چنان‌که دولت محلی سان‌دیگو اطلاعات فشرده‌ای از ۱۰۲۵ میلیون نفر از رأی‌دهندگان در انتخابات عمومی گذشته را در یک دیسک فشرده جمع‌آوری کرده و با هدف تجاری به درخواست کنندگان فروخته است و در آن، اطلاعات ثبت شده‌ای همچون نام، نشانی، شغل، محل تولد، تاریخ تولد و عضویت حزبی و سیاسی وجود دارد.

از دیدگاه گردآورندگان اطلاعات، این توانایی انباشت اطلاعات، یکی از مهیج‌ترین آورده‌های تکنولوژی اطلاعات است. مؤسسات عمومی و خصوصی، از جمله مؤسسات مجری قانون و مالی و تجاری یا خود مستقیماً به جمع‌آوری این اطلاعات می‌پردازند و یا این فرآورده‌ها را از دیگران (آژانس‌های اعتباری و دلان

فهرست‌های اطلاعاتی) می‌خرند. فروشندگان اطلاعات، در جمع‌آوری اطلاعات از منابع اصلی تخصص یافته‌اند و آنها را به اشکال مختلف و مفید سازماندهی و تکثیر می‌کنند.

علاوه بر حمایت‌های عمومی و خصوصی از انباشت اطلاعات به شکل مذکور، دلایل قاطع برای ممانعت از این فعالیت‌ها وجود ندارد. وقتی که اطلاعات مورد نظر «آن بیرون»^{۶۰} است و مردم برای اخفای آنها تقلایی نمی‌کنند؛ ممانعت از انباشت اطلاعات توسط اشخاصی که اطلاعات را صرفاً مشاهده و ثبت می‌کنند، آزادی فعالیت‌های اجتماعی مردم را نقض خواهد کرد؛ زیرا صاحبان اطلاعات قبلاً «بند را آب داده‌اند».^{۶۱} بنابراین، در مخالفت با انباشت اطلاعات درز شده، باید به یک گرایش و عقیده صرف بسنده کرد و از حق خلوت آدمیان مایه نگذاشت.

به همان دلیل است که هواداران انباشت اطلاعات تأکید می‌کنند: «اطلاعات مورد استفاده آنان در حالت آزاد و غیرمداخله‌جویانه و عاری از هرگونه اجبار تهیه شده‌اند و از حدود اطلاعاتی که سرقت شده و به طور نامشروع درز کرده‌اند، خارج است». در این صورت، ممانعت از انباشت اطلاعات، چه نفعی برای حق خلوت آدمیان خواهد داشت؟! آنچه می‌ماند، شک در صداقت آنان است؛ این که آیا در انباشت اطلاعات صادقانه عمل می‌کنند یا مزورانه؟

آنچه شک مذکور را قوی می‌سازد، رفتار مظنون برخی متولیان جمع‌آوری اطلاعات است. در قطعه زیر از کتاب «جادوگران، نرم‌افزار و خشم‌ها»^{۶۲} نوشته جیمز بویل به نکته‌ای جالب اشاره شده است: «چرا فروشگاه‌های بزرگ به مشتریانی که بیشتر مورد پسندشان است، در ازای نگهداری یک کارت الکترونیکی مورد استفاده از طریق دستگاه اسکنر که جایگزین روش پرداخت در صندوق می‌گردد، تخفیف ویژه می‌دهند؟ زیرا امروزه تکنولوژی پیشرفته به فروشگاه‌ها این امکان را می‌دهد

⁶⁰ out there.

⁶¹ cat is out of the bag.

⁶² James Boyle, *Shamans, Software, and Spleens* (Cambridge: Harvard University Press, 1996), pp. 3-4.

که از طریق ثبت مشخصات مشتریان و خریداران خود و نگهداری آنها و سپس مقایسه آنها با اطلاعات جمعیت‌شناختی مربوط به آنان، تجارت خود را توسعه دهند و از کم و کیف خواسته‌های مشتریان به سهولت مطلع گردند، و در نهایت بدین وسیله درباره مارک (علامت) کالاهای مورد علاقه افراد اطلاع حاصل کنند؛ مثلاً این که یک خانواده متوسط که در خیابان خاصی زندگی می‌کند، به احتمال زیاد چه نوع دستمال با چه مارکی خواهد خرید؟! و سلاقی و نوع پسند مشتریان در انتخاب کالاها چگونه می‌باشد؟ و اگر شما همانی هستید که مصرف می‌کنید و اگر بین نوع مصرف و شخصیت شما تناسبی هست (که غالباً هست)، تولیدکنندگان و فروشندگان به زودی با استفاده از تکنولوژی اطلاعات به آنچه دقیقاً شما هستید، پی خواهند برد. با وجود این، تکنولوژی اطلاعات قادر است تعریف جدیدی از زمان و زندگی به ما ارائه کند»^{۶۳} تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

جفری ریمن می‌گوید: «با انباشتن بسیاری قطعه‌های مختلف و ناهمگون از اطلاعات عمومی، شما می‌توانید تصویری نسبتاً مفصل و دقیق از زندگی خصوصی یک فرد را طرح ریزی کنید. می‌توانید کسب اطلاع کنید که دوستان او چه کسانی هستند، تفریحات و سرگرمی‌های او چیستند و به دنبال چه منافعی می‌گردد. همچنین از امور واقعی که دیگران ممکن است درباره او تلویحاً گفته باشند می‌توان فهمید که آیا او وقت‌شناس است یا خیر - آیا او دیندار است یا خیر و صدها مثال دیگر...».

به عنوان مثال، اگر اطلاع حاصل کنیم که شخصی به عنوان عضو حزب جمهوری خواه ثبت نام کرده، ما می‌توانیم با درجه‌ای از اطمینان تلویحاً بگوییم که او به یک سلسله از موضوعات سیاسی و اجتماعی چه واکنشی نشان خواهد داد. به این نوشته تبلیغی در نیویورک تایمز توجه کنید:

⁶³ Jeffrey H. Reiman, "Driving to the Panopticon: A Philosophical Exploration of the Risks to Privacy Posed by the Highway Technology of the Future", *Santa Clara Computer and High Technology Law Journal* 11 (1) (1995).

«بنا بر تخمین ۹۸ درصدی، مشتریان ثبت نام شده ما، با ارائه اطلاعات خاص درباره خودشان (همچون سن، درآمد، جنسیت و شماره پستی) نیازهای اطلاعاتی ما را تأمین می کنند و چون هرکدام از مشتریان ما دارای نشانی های پست الکترونیکی مصدق هستند، اطلاعات آنها دقیق و درست می باشد. به علاوه اطلاعات مشتریان ما در بانک های اطلاعاتی پیچیده و پیشرفته ذخیره شده است، بنابراین اطلاعات ما ثابت و قابل دسترس و قابل انعطاف هستند. مطابق نیازهای شما و طبق سفارش های داده شده، ما می توانیم پیام های مربوط به اطلاعات خاص را برای استفاده اشخاص ثالث تطبیق و ارائه نماییم. پس شما می توانید با استفاده از امکانات ما اطلاعات خود را گسترش دهید. مهمتر آن که، چون آنها (صاحبان اطلاعات) در زمره مشترکان روزنامه نیویورک تایمز بر روی شبکه جهانی وب هستند، بنابراین می توان به ثروتمندی، قدرتمندی و اشتغال بسیار بالای آنان پی برد.»^{۶۴}

دنیای نمایه سازی جمعیت شناختی و مالی و اطلاعات مربوط به مصرف کنندگان، اطلاعات مردم را به وسیله معاملاتی پرسودی تبدیل کرده است. به طور خلاصه، باید به واکنش های منفی مردم به نظارت عمومی، لااقل در قسمتی از نظارت عمومی ویژه که از حیث اخلاقی واقعاً ناخوشایند هستند، اهمیت و اقبال بخشید. زیرا در نظارت عمومی، غالباً هنجارهای صداقت در انتقال متن نقض می شوند و در گردش پریپیچ و خم و پرواسطه اطلاعات، متأسفانه به حیطه های شخصی و احساسی آدمیان لطمات بسیاری وارد می آید. به خصوص واکنش منفی مردم به تجارت اطلاعات را باید صادقانه پذیرفت؛ آنجا که در ازای فاش شدن مشخصات و اطلاعات خصوصی و فردی مردم، پول های هنگفتی به جیب دلان اطلاعات سرریز می شود.

⁶⁴ Advertisement, *The New York Times*, Monday July 14, 1997.

۵- منافع واقعی حق خلوت آدمیان

در میان نظریه‌های اصلی مربوط به حق خلوت آدمیان، ارتباط بین حق مذکور با ارزش‌های دیگر نیز ترسیم گردیده است. بسیاری از آنان، با حمایت از حق مورد بحث، اهداف مهم دیگری را نیز دنبال می‌کرده‌اند و آن حمایت از حق اخلاقی و حق قانونی افراد بوده است. به عنوان مثال، آلن وستین در کتاب اصلی خود با عنوان «حق خلوت آدمیان و آزادی»،^{۶۵} بر این نکته پافشاری می‌کند که حمایت از حق خلوت آدمیان در واقع حمایت از اهداف مهم بشری در یک جامعه آزاد و دموکراتیک و کمک به ارتقاء آنهاست؛ نیز حمایت از آن حق، کمک به توسعه حق خودمختاری^{۶۶} است (و در نظر او خودمختاری عبارت است از گرایش به پرهیختن از زیر نفوذ و غلبه و کنترل کامل دیگران بودن)؛ و بالاخره حوزه حمایت شده‌ای را به وجود می‌آورد که در آن فرد می‌تواند «فردیت خودش را در رویدادهای اجتماعی اعمال کند».^{۶۷} ریوث گاوینسن نیز با ارائه دلایل متقاعد کننده، از نقش اساسی حق خلوت آدمیان در ارتقاء و توسعه و حمایت ارزش‌های دیگری که از آنها شدیداً دفاع شده است؛ همچون: حق آزادی عمل، حق «سلامتی روان»، حق خودمختاری، حق رشد و خلاقیت و حق برقراری ارتباطات سودمند و هدفمند بشری؛ سخن رانده است.^{۶۸} در چندین نوشته شاخص دیگر درباره حق خلوت آدمیان، بر شناخت و ارزش حمایت از این حق و ثبوت قیاس‌پذیری آن با ارزش‌های مهم دیگر اجتماعی، و فایده آن برای افراد و جامعه، انگشت تأکید نهاده‌اند.

نگرش‌های مذکور عموماً بر این عقیده استوارند که حق خلوت آدمیان، متضمن یک «پناهگاه امن»^{۶۹} یا منطقه حفاظت شده برای آدمیان است که مردم در آن می‌توانند از بازرسی دقیق و موشکافانه و احتمالاً نکوهش درباره امور شخصی

⁶⁵ Alan Westin, *Privacy and Freedom* (New York: Atheneum, 1967), p. 33.

⁶⁶ autonomy.

⁶⁷ Ibid., p. 36.

⁶⁸ Ruth Gavison, "privacy and the limits of the law", p. 442.

⁶⁹ safe haven.

خود، رها و آزاد باشند. در حیطه این منطقه امن که همان حوزه‌های خصوصی اشخاص است، مردم می‌توانند حالت‌ها و شرایط ویژه زندگی خود را، شخصاً کنترل کنند؛ به بیانی دیگر، آنها می‌توانند اطلاعات شخصی و حساس خود را کنترل کنند و روش بروز خود در اجتماع را شخصاً هدایت کنند و آن‌گونه که می‌خواهند عیان شوند و با اطرافیان خود ارتباط آزاد، با حدود خود - خواسته، برقرار نمایند. وجود این حالت، یعنی کنترل شخصی بر روی اطلاعات و نیز کنترل راه دستیابی دیگران به اطلاعات شخصی، از خصایص زندگی در جامعه آزاد است که به مردم اختیار می‌دهد آزادانه و خلاقانه در میان ناظرین آزاد، زندگی کنند.

قبل از ظهور ناگهانی کامپیوترهای قدرتمند به توان علمی ذخیره‌سازی نامحدود و وجود نرم‌افزارهای مدیریت اطلاعات و نیز قابلیت‌های شبکه‌ای، حق خلوت آدمیان و امور شخصی مردم به حد کافی حمایت می‌شد. در گذشته، به واسطه برخی ممنوعیات و محدودیت‌های بشری، حق خلوت آدمیان به طرز مناسبی حمایت می‌شد و چنان که در قسمت «عامل تجربی» عدم رعایت حق مذکور در این باره به کفایت بحث شد، این محدودیت‌ها عموماً شامل محدود بودن حافظه بشری و بی‌اعتنایی مردم و مشکل اخلاقی در توجه به حق خلوت مردم می‌گردید. اما آن شرایط مدت زیادی دوام نیاورد. امروزه به جای آنها، با تکنولوژی قدرتمند اطلاعات روبرو هستیم که به دانستن جزئیات، اشتیاقی سیری‌ناپذیر دارد. از آنجا که اطلاعات سیال و فراگیر هستند، این تکنولوژی هوشمند، پروفایل‌هایی^{۷۰} طراحی کرده است که در مجموع ابزار قدرتمندی برای شناخت مردم، تأثیرگذاری بر رفتار آنها و حتی کنترل آنها به وجود آورده است. افرادی که به کارکرد حیرت‌آور این تکنولوژی آگاه نیستند و نمی‌دانند که دیگران راجع به آنها، چه چیزها و چه مقدار می‌دانند، آسان‌تر مورد هدف و کنترل این پدیده قرار گرفته‌اند. در مقابل، اشخاصی که آگاه‌اند و درک بهتری از شرایط دارند، در جهت حمایت از حق خلوت خود توان بیشتر و مؤثری خواهند داشت، اما در این راستا باید رفتارهای محتاط‌گونه، و

⁷⁰ profiles (نمایه سازی، شرح حال).

خودآگاهی و سوءظن به دیگران و توجه به احتمالات منفی اجتماعی در روابطشان با دیگران را بیش از پیش توسعه دهند. دکیو این وضعیت را به عنوان وسیله‌ای که در رفتار آدمیان «تأثیر وحشت‌آور»^{۷۱} می‌گذارد، تعبیر می‌کند.^{۷۲}

ارزش‌هایی که روزی با حمایت حوزه خصوصی افراد به طور مؤثری تقویت می‌شدند، اکنون به وسیله دیگری (علی‌الظاهر اجتماع و برخوردهای اجتماعی) آسیب‌پذیر هستند؛ زیرا انسان‌ها امروزه در معرض خطر بزرگی قرار دارند و آن کنترل نامحدود هرگونه اطلاعات فردی است (حتی اطلاعات شخصی) و نیز اشکال معتناهی از نظارت عمومی که در دوران معاصر، اطراف بشر را فرا گرفته است و نتیجه آن چیزی جز نقض حوزه زندگی شخصی افراد و ارزش‌های بشری نیست. چنانکه گفته شد این ارزش‌ها طیف گسترده‌ای دارند و نه تنها ارزش‌های فردی همچون حق خودمختاری، حق آزادی، حق فردیت، حق ایجاد و ادامه روابط شخصی با دیگران، حق سلامت روانی و فکری، حق خلاق بودن و حق رشد فردی را در بر می‌گیرند، بلکه ارزش‌های جمعی موجود در یک جامعه دموکراتیک و آزاد را نیز شامل می‌شوند. آنهایی که در به کار بستن دائم نظارت عمومی بر افراد فعالند، با ابداع شیوه‌های جدید نظارت و زیر نظر گرفتن افراد در بسیاری فعالیت‌های اجتماعی و استراق سمع مکالمات و جمع‌آوری و تحصیل بی‌محابای اطلاعات از طریق مراجع قانونی که حق ثبت اطلاعات شخصی مردم را دارند، روز به روز بر دایره مصادیق نقض حق خلوت آدمیان می‌افزایند. متوقف کردن این گروه از ادامه تجاوزات و مزاحمت‌های خود به حیطه خصوصی افراد از خواسته‌های بنیادین هواداران حق خلوت آدمیان است.

به هر حال، اگر در جامعه‌ای که افراد می‌خواهند آزاد باشند و آزادانه رفتار کنند، بخواهیم هنجارهایی محدود شده برای رعایت حق خلوت آنان تحمیل کنیم،

⁷¹ a chilling effect.

⁷² Judith Wagner DeCew, *In Pursuit of Privacy: Law, Ethics, and the Rise of Technology* (Ithaca: Cornell University Press, 1997) p. 64.

این جامعه از حالت آزاد به حالت تحمل‌ناپذیر استبدادی تغییر خواهد یافت. اصل بر این است که دیگران نمی‌توانند و نباید در امور و فعالیت‌های عادی و روزمره دیگران دخالت کنند اما امروزه از کنترل قابل انعطاف اجتماعی که غیر از تحمیل کردن برخی چیزها به آدمیان است، گریزی نیست. آنچه مسلم است، تحقق حق خلوت آدمیان جز در سایه سیاست معقول و سازوکارهای عملی و نظری توسعه یافته که از حیثیت فردی و مقتضیات زندگی اجتماعی توأمان حمایت می‌کند و برحق اخلاقی و انسانی خلوت آدمیان صحنه می‌گذارد و در تعریف اطلاعات خصوصی از غیرخصوصی (و در دسترس همه) دقت می‌ورزد، میسر نخواهد شد.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. 1, NO. 2

2002-2

Articles

- Conscious obligations in contracts on transfer of mines
- An introduction to the principles of jurisdiction in international criminal law
- Establishment of International Criminal Court: concerns and hopes
- Restrictions on the property rights of persons in laws and regulations of municipals
- Reflection on buy-back deals in Iranian oil contracts
- The ILC's articles on responsibility of states
- Protecting privacy in an information age

Special Issue: Necessity of revising the laws relating to cheque

- History and necessity of amendment to laws relating to cheque
- Round-table on amendment to laws relating to cheque
- Conserving or deleting the penal aspect of issuance of dishonoured cheque
- Stipulations on cheque in the Egyptian Commercial Code

Critique and Presentation

- Reestablishment of Prosecutor's Office in the Iranian judicial system
- The Private Law Association of Iran
- International Institute for the Unification of Private Law (Unidroit)



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study